



با اصول... بقیاض صخه در مقاله‌ای تحت عنوان "فلسفه شدت خاورمیانه" برای امیرالیهام شوروی حساب خاصی متفاوت با امیرالیهام آمریکا باز کرد و نوشت: "با وجود شناختی که از سیاست شوروی در این سیاست لاقط حکمران هم بیسان ضعیف نیست... آیا با وجودی که نفوذ شوروی مطلوب آزاد یخواهان نیست ولی نفوذ آمریکا ضد برابر بر تری است."

(شماره آذر ۱۳۵۱) سازمان ما همانقدر در ارگان خود هشدار داد که امیرالیهام خوب و بد ندارد و این تضاد است با ختم امروز از عدم توجه لازم به ماهیت امر است و می‌تواند در آینده موجب نتیجه گیریهای زیانمند گردد. این نتایج زیانمند هم اکنون در برابر ما است.

"جبهه ملی" در بخارج از کشور با آنکه از استعمال واژه امیرالیهام در مورد شوروی خود داری می‌پزد ولی شوروی را با بدانی توصیف می‌کند که از آن چیزی جز امیرالیهام مفهومی ندارد. "ملائی" ایران آزاد در یکجا خطاب به نخست وزیر شوروی چنین می‌نویسد: "... سیاست شما دفاع از مبارزه خلق‌ها علیه استعمار نیست و دفاع از منافع آنان نیست و دفاع از منافع ایجاد می‌شود است... در هر جای دیگر نیز وزارت جنگ در لیبی (توفان) شما بشرطی از بعضی حمایت می‌کنید که نفع شما این دفاع را ایجاد کند" "درست است شما بر دفاع از مبارزه نه استعمار نیست می‌توانید با خونخوارترین امیر تاریخ نگاه کنید؟" "آری که برای شما میماند اینست که با منافع خود در بعضی نقاط کثیف دست جریف را در بعضی نقاط دیگر بازگردانید" (شماره ۳۳، ۱۳۴۴)

"ایران آزاد" در جای دیگر منافع شوروی و آمریکا را می‌میدهد: "در عین حال که امیرالیهام بین الفللی (۱) و اتحاد شوروی در زمینه مسائل عمده بین الفللی از در سازش با یکدیگر در رأیه دارند. معینا، بر سر چپاول منابع زیرزمینی کشورهای مستعمر و حاصل دستبرد این ملل فقیر تضاد های فراوانی بین امیرالیهام و شوروی وجود دارد که هر کدام بیسهم خود کوشش می‌نمایند. نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی خویش را با تضعیف موضع دیگری توسعه بخشد" (شماره ۶۲، ۱۳۴۸)

(تکیه از توفان) بدین ترتیب اتحاد شوروی "منابع زید کشورهای مستعمر را "چپاول" میکند" حاصل دستبرد این ملل فقیر را می‌رباید و مناطق "نفوذ سیاسی، اقتصادی و نظامی خویش را... توسعه می‌بخشد". این صفات جز از استعمار و امیرالیهام نمی‌تواند. در ضمن نشریه به سازش و مبارزه شوروی و آمریکا بر سر مناطق نفوذ با صراحت سخن می‌راند. از این جملات بروشنی بر میآید که "جبهه ملی" تقابلی میان امیرالیهام شوروی و امیرالیهام آمریکا نمی‌دید و بدین ترتیب نمی‌دید. "جبهه ملی" نیز در این دوران از انطباق با این نظریات بود. نقشه "جبهه ملی" به هیچ وجه حاکی از تغییر روی ماهی امیرالیهام شوروی نبود. چنین تغییری مطلقا وجود نداشت. "جبهه ملی" با این نقشه از واقع از همان زمان راه خود را از راه جنبش دموکراتیک ملی جدا می‌کرد و در این راه پیش میرفت.

در تاریخ ۸ ژانویه اسامال، منظور دفاع از جنبش خلق عمان اعلامیه‌ای انتشار مییابد که در پای آن اشاعی "جبهه ملی" در کار سازمانهای "حزب دموکرات کردستان (ایران)"، "جبهه آزاد بخش اهواز"، "جبهه خلقی برای آزادی بخش خشم میخورد. اشاعی "جبهه ملی" در کار این سازمانها هیچ معنی دیگری جز بر رسمیت شناختن آنها ندارد. همه و از آنجمله نویسنده "لوموند" دیپلماتیک نیز از آن چنین برداشتند. اما نشریه "باختر امروز" علی رشم هرگز نتوانست مضمون مدنی است که اعلامیه‌ای که منظور دفاع از جنبش خلق عمان (ظفار) توسط سازمان ما و سازمان های فلسطینی و تعداد دیگری از سازمانها در تاریخ ۸ ژانویه ۱۹۷۱ اشاع شد، این شبیه را در پارامانی محافل و مطبوعات (منجمله لوموند دیپلماتیک) نفوذ آزوده است که تا کلبه سازمانهای اشاع کننده اعلامیه و آموزش تا بناید قرار ندادیم. این تصور مبتنی بر واقعیت نیست. فرض ما از اشاع این اعلامیه تا بناید ضمنی سازمانها و خط مشی و اهداف اشاع کنندگان... نبوده است" شماره ۵ تیر ۱۳۵۳ (تکیه از توفان است)

"آیا "جبهه ملی" پس از سالها اشتغال به سیاست انبساطی

سازد ملوچ است که نمیداند اشاع خود را نباید همسراه با سازمانهایی که ماهیت، خط مشی و اهداف آنها مورد تا بناید نیست. در پای جنبش که است و اول آنکه این جنبه بخاطر دفاع و پیشرفت از خلق قهرمان ظفار باشد. آیا "جبهه ملی" نمیتوانست خود به جنبشهای اعلامیه‌ای در پیشینین از خلق ظفار انتشار دهد؟ آیا نیروها و سازمان های سیاسی ایرانی دیگری نبودند که با آنها به صد و چندین اعلامیه‌ای مبارزت ورزید؟ آیا "جبهه ملی" با این عذر بدتر از گناه حاضر است خود را با "حزب ایران نوین" در تا بناید اشتغال جزا رسد کانه خلیج فارس که آنها را "حزب لاینکه خاك ایران" میدانستند اشاع کند؟

اگر واقعا موضوع بهین جا خاتمه مییافت آنرا ممکن بود ناشی از اشتباه دانست و از آن گذشت. اما با وقت کشی از ماهیت این سازمانها و اهداف آنها که نمیتواند از بدین "جبهه ملی" پنهان باشد معلوم میشود که سخن بر سر سهو و اشتباه نیست. سازمانهای شوروی و منظور تجزیه ایران ایجاد و دتای آنها با دست عمال امیرالیهام و بنظر همه مخلوق شوروی اند، شده اند. و مطلقا نمیتوان آنها را بصنایب جنبشهای ملی گذاشت. نظر سازمان ما در مورد مسئله ملوچ در ایران با صراحت تمام بیان شده و مامیقا بدان وفاداریم. لیکن ما نمیتوانیم موافق باشیم که امیرالیهام شوروی با هر امیرالیهام دیگر بخاطر مظالم و آزمندهای خود تمامیت ارضی ایران را در مخاطرات و مبین ما را به تجزیه بکشد. تحریکات سوسیال امیرالیهام شوروی را در میان خلق های ایران بنظر تجزیه مبین ما نمیتوان با اصل حق تعیین سرنوشت ملتها برابر گرفت و با آن موافقت داشت. همه از سلاحياتی که از وزارت خارجه عراق به سفارت این کشور در پاکستان به نیت بخش در میان شورشیان بلوچ ارسال گردید باخبرند. آخر دولت عراق که خود با مسئله گردن ها دست بگریبان است چگونه میتواند تا بنیزه کشور بگری موافق باشد و سلاح در اختیار تجزیه کنندگان بگذارد؟ نقشه ای که از "کشور بلوچستان" در مطبوعات ایران چاپ رسید و حتی راد یوی شوروی بیک ایران نیز نتوانست با قاطعیت آنرا ساخته رژیم شاه اعلام کند. تمام کرمان، سیستان، بخش بزرگی از ایالت فارس و تمام قسمت شرقی خراسان را در بر میگیرد و با اتحاد شوروی هم مرز میشود! بلوچستان کجا و مرز اتحاد شوروی کجا! روشن است که در پشت این پرده دست اتحاد شوروی در کار است و "جبهه ملی" نمیتواند به این حقایق واقف نباشد. حفا با اینکه وجود خلق های ایران راهم فاسد میدانند و با هیچ جنبش ملی سوزناگری ندارند. کدام سازمانی حاضر است اشاعی خود را در زیر سندی در در یف سازمانها کسی بگذارد که با دست امیرالیهام بنظر تجزیه ایران آفریده شده اند؟ "بدینسان مسلم است که اشاعی "جبهه ملی" را در پای اعلامیه مشترک جز قدمی در راه نزدیکی به داور دست "جبهه ملی" مرکزی و سوسیال امیرالیهام شوروی طور دیگری نمیتوان تعبیر کرد.

نزدیکی "جبهه ملی" به داور دست "جبهه ملی" مرکزی خاسته از نفوذ و کار بهائی میرسد که از اعضا داور دست "جبهه ملی" مرکزی بعنوان "فرزند خلق" نام میبرد و اشاعی "جبهه ملی" مرکزی را در زرف فرزند آن قهرمانی مانند احمد زاده ندید به زادگان، مهربونش ابراهیمی، برادران رضایی، پاک نژاد، گل سرخی، اشرف دهقانی و دیگر قهرمانان میگردد.

سازمان ما در موقع خود ضمن مقالاتی در توفان بروشنی اعلام داشته است که با راهی که این مبارزان در پیش گرفته اند موافق نیست و هنوز در موضع خود باقی است. اما سازمان ما برای این فرزند آن انقلابی، احترام عبیعی دارد. از سجاغت، تهور و جسارت انقلابی، فدکاری و از خود گذشتگی آنان، از وفاداری آنان به امر انقلاب درس میگیرد و اشاعی سازمان ما میگویند این خصائل انقلابی را سر منطبق قرار دهند. عنوان پرافتخار "فرزند خلق" برانده این قهرمانان نیست. ناچیزان از اشاعی "جبهه ملی" مرکزی بعنوان فرزند خلق، قرار دادن نام فرزند آن خلق در کنار افرادی از داور دست "جبهه ملی" مرکزی همین به مقام والای این فرزند آن خلق است و هیچ مبارز انقلابی نمیتواند بر آن صده گذارد.

"جبهه ملی" در گذشته چه خوب می نوشت: "جبهه ملی" نمیتوان

گفت به انتهای که چون قیام اخرفه در جبهه شوروی بازرسی دهان به قبح جنازه مله شده و الا برین فرزند آن ملل کف و تازناز پرکرد ماند و آنهم تمام اینرسی در زورق اصطلا سیاسی ای از قبیل "آنا رسیسم" و "سکارسم" و غیره حساب و حواله کسانی که شرم از رسوائی ندارند به سنگ و تاسزای کودکان کوچه و بازار است و بس" (ایران آزاد شماره ۸۰، تیر ۱۳۵۳)

حالا همین "جبهه ملی" که خود را وارث بلا ساختن ازات این فرزند آن خلق هم میدانند می گویند که مقام آنها را تا درجه اعضای داور دست "جبهه ملی" مرکزی تنزل دهد و برای جبهه خطای خود افراد کثیف مرکزی حزب ریزینست را با میلیونها کارگر ساده فریب خورده همسطح بگذارد. فقط کسانی این عذر بدتر از گناه را می‌نمایند که میخواهند سائزین خود را با ریزینویسم توجیه کنند.

بجاری "جبهه ملی" با گرایش جدی بسوی گروهی از دستمندان خلق در راهی کاملاً گم شده که نتیجه آن قرار آن خود در خارج از جنبش دموکراتیک ملی است. چنین پیش آمدی اگرچه عمیقا مایه تاسف و ناامید است ولی واقعیتی است انگار نایب ما هنوز امیدواریم که "جبهه ملی" به جمع بدستان خود پیوندد و در مبارزه علیه رژیم شاه و امیرالیهام آمریکا و شوروی یار و همسنگر آنها باشد. ولی اگر این امید به تأییدی بدل شود هرگز هکسانی و همدستانانی با "جبهه ملی" دور شدن از خط مشی انقلابی و دور شدن از آرمانهای انقلابی خلق های ایران و افتادن در دام سوسیال امیرالیهام شوروی و عمال ایرانی آن یعنی داور دست "جبهه ملی" مرکزی است.

دوستانی بما اندرز میدهند که باید برش خرسج "آواشن" داد و "جبهه ملی" را از گسستن از جنبش بازداشت سازمان ما در قبال "جبهه ملی" هرگز از تو مش و گذشت تاریخ نویزده است. اما در موقعی که این جبهه را در اختیار کرده و با لاجت شکستی آنرا دنبال میکند طبقه همه نیروهای انقلابی است که با اشتقاق دوستانه "جبهه ملی" از ادامه این راه برضد دارند. در چنین لحظه ای روش مباحثات و تجدید راه مریزوند ها را به گراهی خواهد کشانید و جز تسلیم در برابر کمرویی مفهوم دیگری نخواهد داشت. این بدستان بجای آنکه با اندر زهای خود "جبهه ملی" را براه راست آورند در واقع براه تسلیم میآورند و خود میدانند که برسر اصول نمیتوان سازش کرد. نمیتوان بر میان بدستان و دشمنان را زدود.

جنبش دموکراتیک ملی ما برسر دوراهی است: با همراه با سوسیال امیرالیهام شوروی و داور دست "جبهه ملی" مرکزی علیه آزادی و استقلال خلق های ایران و با همراه با خلق های ایران علیه سوسیال امیرالیهام شوروی و داور دست "جبهه ملی" مرکزی بخاطر آزادی و استقلال. راه سوسیالیست هرگز نه مباحثات و حکم روی کرد انبند از اصول انقلابی و روی کرد انبند از آرمانهای طبقه کارگر است و سازمان ما هرگز به آن تین در نخواهد تیان.

**باز هم در فضائی های شاه**

روستانشینان همه معنی نداشتن بر روند دعوات های ۱۱ تا ۲۰ طبقه، ولی اساس فکر اینست که شهرهای ما باید دورتر به نوسازی بشوند، قبلا که محل های مسکن تا افرادی که در محل های قدیمی کثیف و غیر بهداشتی زندگی میکنند منتقل بشوند به آن محلها و این محل های غیر بهداشتی در هر کوبیده شود و ضایع شوند و بیشتر برای فضای سبز مورد استفاده قرار گیرد و تا اینکه اگر لازم است آنهاجا دورتر به ساخته شود و منتقل بکند های را از جای دیگر منتقل بکند بدان نقطه و آن محل را دورتر به بکند و حواص می کنند و همینطور تا اینکه تمام اشاعی شهری از جاهای بد غیر بهداشتی فعلی منتقل بشوند بیک مسکن های طبیعی بند یا محیط ملکت یکی از بهترین وسیله ایجاد فضای سبز اتفاقا همین است که ما میرویم روی ارتفاع کجیان هوایی شنبه ۱۱ از بر بهشت ۱۳۵۳

البته بهتر است قبل از ضایف کردن چیزهای دیگر اصول هیگ منحوس این "نابغه" قرن بیستم را با غلطک صاف کرد و بعدا رفت روی آن تشقا ع.

### تسهيلات فوق العاده برای جلب سرمایه های خارجی در کشت و صنعت

ایران اعلام کرده که برای سرمایه گذاری خارجی در کشاورزی که با صنعت توأم باشد هیچگونه محدودیتی قابل تمشیر و سرمایه گذاری از هر جای دنیا میتوانند تا هشتاد درصد از سرمایه گذاری در اجرای چنین طرح هایی را از داخل یا بین بیسپندان ایران در این مورد در گفتارن علوم و کشت و صنعت لندن مطرح شد و نماینده ایران تاکید کرد که هر کشورها دیگر که شرایط واحد و مزهائی برای سرمایه گذاری خارجی میباشند، ما در بخش کشاورزی مشکلی در سر راه خارجیان ایجاد نکرده ایم و از هر پیشنهادی در این زمینه استقبال میکنیم.

تسهيلات استثنائی يك مقام وزارت کشاورزی در مورد تسهیلاتی که ایران برای سرمایه گذاری خارجی در کشت و صنعت در نظر گرفته است گفت ما به کسانی که در کشت و صنعت سرمایه گذاری میکنند و آهائی که بهره تا نصف سرمایه گذاری میدهند حاضریم زمین قابل آبیاری را برای مدت دراز و با قیمت کم اجاره بدهیم و برای فروش ماشینها و مواد خام اولیه طرحها نیز

غایت به بیفایز صغه روسی روانه کشور که کثرت میشود و تکنولوژی و جرم تولید در کنترل شوروی است تا این قطعات یدکی و لوازم دیگر فقط از شوروی امکان پذیر است و بدین ترتیب کنترل این موسسات به دست شوروی می افتد و کشور دریافت کننده "کک" در راستی به اجیرالیم شوروی خواهد افتاد. هر زمان که شوروی آراد کند، میتواند در دادن طعنا بدی که امتناع ورزد و کارخانه از کار خواهد ایستاد. همه از سر نویت سلاجهای شوروی که به صبر فروخته شده و اطلاع آید که احتیاج به قطعات یدکی بالاخره ضرر را مجبور کرد دوباره دست نیاز بسوی شوروی دراز کرد.

تهران اکنون بیست و نه ای از آنرا در کشور خود مایند میدهند و در تازه تجزیهات شوروی میشود: از جانب دیگر چون وسائل یدکی آنها (منظور شوروی و کشورهای شرقی اروپا است) نتواند هم منحصر بخودشان است کشور خرید از ناچار است آنها بهر قیمتی که تعیین کنند خرید آری نماید و چه بنا قیمت و مسائل یدکی از خود کالا گران تر تمام میشود بختوان مثال: در تاسیسات سازگان بنال بوکشی راتی و کمرگ بندر بیلوی... چند دستگاه لیف تراک... از یکی از کشورهای شرق اروپا خرید آری شده بود که تحت فراوانی بوجود آرزو بود. وقتی غلت را جویا شدیم معلوم شد با بوجولی که تحت آن آنها ۱۰ دستگاه بوده مخفف لک باطری همه تمام شده و با نتیجه پس از هفت ماه کوشش و فعالیت ناچار شد ما با باطریهای موزن نیاز را مبلغ نود و هشت هزار دلار خرید آری نمایند در زمانی که قیمت واقعی هر دستگاه در حد و در نظر بازار (با بد دلار نمانند) نوزدان بود ولی چون دارای سزا حفظ خاصی است ناچار از همان کشور خرید آری نمود ما... در مورد کارخانه ذوب آهن اصفهان نیز وضع بر همین فتوال است. نتیجه این میشود ککار تاسیسات صنعتی "ککی" شوروی مانند سایر اهنر ایستها در گروه "مراحم و انطاق" زانف ایران شوروی است.

البته انحدان شوروی پس از آنکه اصل و فرم سرمایه خود را مشخص ساخت و با آنها که توانست در شرق زمینگان کشور "کک" و نه را غارت کند، انگاه تانلیسات صنعتی را در اختیار دولت آن کشور نیگازان. اما چون نوع این تحویل صورت خواهد گرفت معلوم نیست کارخانه ذوب آهن بیلوی هند که در ۱۹۵۰ ایجاد شده هنوز هم با دست کارشاسان و تکمیلین های شوروی میگردن و همشاله مقداری از محصول آن به انگلاند شوروی میروند بطوری که نظریات هند میبوسند در کارخانه فولاد تازوی بوکسارو به بهانه "کک نفی" سیمس کارشاس روس حضور دارند و هنوز صد کارشناس دیگر باید بر طرف روزنامه هندی مارچ اولین در این زمینه چنین میبوسد: "بوکارو این شهر بزرگ ذوب آهن که بزودی مرکز صنعتی ستا یح ذوب آهن هند خواهد شد از همین امروز يك مستعمره واقعی شوروی است."

چنین است ماهیت "کک" امیرالیم شوروی که هیچ تفاوتی با "کک" امیرالیم هاوند راس آنها امیرالیم آمریکا ندارد.

آمریکا راه آبنای خلیج فارس در موقعی که بعضی کشورهای منتخبین ایالات متحده را بخاطر جانبداری آن از اسرائیل به تحریم نفت تصویب میکنند و تنهایی از دخالت نظامی احتمالی آمریکا در کشورهای عرب بخاطر باطن آوردن قیمت نفت و جلوگیری از تحریم میدانند. اما در ایران "ورود ناو هوا ایما بر" که مستقیم "آمریکا به آبهای خلیج فارس در محافل نظامی و سیاسی آوری عادی تلقی شده است که ارتباطی با بحران خاورمیانه یا تزور جهانی ندارد." حضور این ناوگان در این هنگام در خلیج فارس صرفاً نشانی است و با اوضاع موجود یا تحولات احتمالی آینده ارتباطی ندارد. (کتابخانه آزاد ۵۳۰)

مقامات دولتی ایران با این تزور به پشتیها میکوشند هندستی نمودار را در توطئه های امیرالیم آمریکا علیه کشورهای عربی تولید کنند و نفت بپوشانند. در واقع هند و چین تحقیقی که از این مانتوها حاصل میاید نقشی است که ایران در تحولات احتمالی آینده این منطقه بازی میکند. شاه ایران بدین تزور آرزو بارها علنا خود را از اجری نیاست آمریکا در منطقه خلیج فارس و اقیانوس هند خوانده است و تردیدی نیست که در توطئه علیه کشورهای عربی و نظریه ایران که بیلار ها در این توطئه و نظریات آن بصرف رسیده و میبوسند نقش دستیار امیرالیم آمریکا را بر عهده خواهند داشت. جالب است که مقامات آمریکا از منطقه خلیج فارس و افزایش بهای نفت و جلوگیری از صدور مواد خوراکی سخن میکنند علی رغم لای زنی های شاه فقط کشورهای عربی را از راه میکشند. ستاور جکسون با صراحت میگوید: "من درباره ستای غیر عرب شرق تصور ندارم. مقصود من دنیای عرب است." بپوشته ایران اولین کسیست که در تهران با اعتراض اعلام کرده است که بین ایران و آمریکا در زمینه مسئله بحران های جهانی و منطقه ای هیچگونه اختلاف نظری وجود ندارد. (روزنامه ایران ۱۳۶۳)

مانور دریایی سنتو و شرکت ایران در آن، در کار شوروی در ریاض آمریکا یکبار دیگر بزرده از زوری این حقیقت بر می آید که شاه ایران، همانطور که بارها بوضوح اعلام داشته حضور امیرالیم آمریکا را در آبهای اقیانوس هند ضروری نمی شمرد. از نوکر باوقائی چون محمد رضا پهلوی جز این انتظار میسر نیست و اما در اروا داشته نگین "مگزوی" که چشم اخوند را بر روزگار نظامی شوروی به اقیانوس هند و آبهای خلیج فارس برای رسیدن دولتها از ایا القصر بندازد، از ورود کشتی هوا ایما بر "کانستین" همراه با دو ناوشکن بخلیج فارس برای نهدار دو هفته از بهترین برانته میشود. تبعیت این مردمان نیز از سیاست تزارهای نوین مایه کفکی نیست. شاه و وزیرکست هر گم بهنه آفانوس هند و خلیج فارس را فقط جولا که اربابان خود میخواهند. اما خواست خلق های این منطقه اینست که پای هر دو ابر قدرت از آبهای این منطقه برده شود و صلح و آرامش این منطقه بین این دو مستخوش طمع یابید آنها نگردد. خلق های منطقه آفانوس هند و خلیج فارس را نمانی به "دیده اهرای بوسانه" نیست و دیده اهرای کیه هدف نهائی آنها ریودین آزادی و در آوردن از خلق ها است. شعار خلق های منطقه چنین است: امیرالیم آمریکا - امیرالیم شوروی - یخانیات پرگرد

معافیت هایی قابل توجه. مقام وزارت کشاورزی تاکید کرد که از سوی دیگر دولت همچنان از بهای حسد اقل تولید حمایت میکند و از راه بستن قرارداد های بلند مدت خرید با تولید کننده، فروش فراورد را تضمین خواهد کرد. تأمین آب و نیروی برق و نظم و کفای به نرخ ارزان، ساختن ریاگان راههای فرعی رگنال آبیاری و دادن اعتبار بانکی با بهره کم از جمله تسهیلاتی است که دولت برای مجریان طرح های کشاورزی در نظر گرفته است. وی خاطر نشان ساخت که سرمایه گذاری خارجی از مزایای قابل حمایت سرمایه های خارجی و همچنین حق برگردانید سرمایه و سود به کشور مبدأ برخوردار خواهند بود و به همین جهت هیچ تسهلهای وجود ندارد که سرمایه گذاری خارجی را از توجه به بازار پر رونق ایران باز دارد.

کتابخانه های شبانه (۱) اسفند ۵۲ آب و خاک و برق و وام و مزور وقت در کاراند تا که محصول بدست آید و بانکی بسپرد

همچنان يك به بیفایز صغه از این ناوشکها بشود خودی به نیروی است و تهرید به و ایا با زنده بود. در روزهای اخیر آمریکا در سخنرانی خود بوزر جمع عمومی سازمان ملل بجهت کشورهای عربی تولید کننده نفت را تهدید کرد که از صدور مواد خوراکی به این کشورهای خود را خواهد ورزید و وزیر خزانه داری آمریکا در یازده سناتورهای آمریکا اعلام کرد که "ایالات متحده ممکن است مجبور شود برخی از جنبه های سیاست خود را در قبال کشورهای تولید کننده نفت تغییر کند تا در تلاش بین المللی برای بازهنگستن قدرت انحصار نفتی جهانی دست بازتری داشته باشد و بتواند قیمت نفت را مجبور به لغزان شدن کند."

در این سید بد ضرورت ایجاد نیروی بخود میکند و در روز رئیس جمهور آمریکا در کنفرانس جهانی انرژی در پاریس و پس از آنکه بدروغ وضع و حکم اقتصادی جهانی را به افزایش بهای نفت نسبت میدهد. در پرده کشورهای عربی را تهدید بختماز و جنگ میکند. در جریان تاریخ ملتا هله برای تضمین مزایای طبیعی مانند آب و خوراک یا حق عبور از سرزمینها و آبها با جنگ دست زده اند اما در عصر هسته ای زمانه که هر نزاع محلی میتواند به فلات گمانی تبدیل گردد و آنگاه مضطربان چنان قابل قبولی برای تمام بشریت در برود آرد. بدینسان فور و جنگ و سلاح هسته ای و فاکت های گمانی را بر می کشند برای آنکه کشورهای عربی را به تسلیم وادارند. ستاور جکسون گام دیگری بچلو بر می آید: "مانور دریایی در دست رویه بیت بگد آیم و تمانا کنیم که معدودی و جوامعی را که در طول قرنهای میانی بنا شده و اقتصادهای را که از جنگ بوم تا کمون بل کک آمریکا ایما و تزور کم یابد ماست ناپود کند."

بالاخره وزیر خزانه داری آمریکا دیگری برده و توضیح از تجاوز سخن میراند: "کشورهای بصرف کننده نفت ناچار یا فعالیت های اقتصادی را به میزان قابل ملاحظه ای محدود کنند یا بخاطر حمایت از منافع خود به اقدامات تجاوزگرایانه تشویق شوند." البته محدود ساختن فعالیت های اقتصادی و تضمین خطرات اقتصادی و سیاسی بزرگی برای پرورازی است و نمیتوان بدان دست زد و لذا چنانچه مقصود حاصل نیاید اقدامات تجاوزگرایانه مطرح میگردد. این سخنان در برستی هنگامی بر زبان میاید که مانور دریایی سنتو در مجاورت کشورهای عربی و خلیج فارس در جریان است. مانور دریایی سنتو این تهدیدات آسانی بر مرحله اول نزد يك گروه منور دریایی سنتو بدون شك اقدامی بود بمنظور ارغاب کشورهای عربی تولید کننده نفت. تهدارکی بود برای تجاوز به این کشورها در صورتیکه آمریکا نتواند نظرم خود را از این به تقلیل بهای نفت به این کشورها بقبولاند. در روزهای هدف مانور دریایی سنتو قابل درک نیست. ورود ناو هوا ایما بر آمریکا همراه با دو ناوشکن به آبهای خلیج فارس همین هدف را دنبال میکنند. کشورهای عربی بد رستی مانور دریایی سنتو و ورود ناو

تشریح شماره ۸۸  
سخنرانی استثنائی  
(۳ آگوست ۱۹۷۴)  
از جانب اتحاد شده

عنوان مکاتبات  
X DR. GIOVANNA GRONDA  
87030 ARCAVACATA (CS) ITALY  
حساب بانکی  
X. DR. GIOVANNA GRONDA  
CONTO 17549/IT  
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16  
MILANO / ITALY

سازمان آزادی بخش فلسطین پیروز است

«دانشکده» ای برای شکجه

و مجسمه‌های بنام «آزادی»

هر چند ما در فرانسه چنین دانشکده‌ای نمی‌شناسیم، اما در برزیل واقع در دانشکده از این نوع وجود دارد. یعنی در واشینگتن و دیگری در سائوپائولو برزیل که ظاهراً دانشکده ایس‌ناپید می‌شود و در واقع چیز دیگری چیز مراکز عالی تربیت شکجه بر طبق جدیدترین متد های علمی و با استفاده از آلات و ابزار نوین بنیادین می‌آیند.

در اواخر سالهای ۶۰ ایوارد لایسه‌ال، پرهنگ بسیار موفق می‌گردد به کندی و بقولاند که آرام‌سازیدنی‌ها را به کمک نیروهای پلیس از اقداماتی نظیر ارسال سربازان آمریکایی و یا تقویت ارتش‌های دست‌نشانده با صافتر خواهید بود و این ترتیب در سال ۱۹۶۳ "اداره امنیت عمومی" آمریکا وابسته به آبی‌سی‌دی آژانس توسعه بین‌المللی اجرائی کتیبه و همزمان با آن اولین دانشکده شکجه جیلان در منطقه کانال پاناما با برعم و وجود میهن‌پرور و جندی بعدی به واشینگتن نقل مکان میکند.

دانشکده مذکور که وظیفه تربیت شکجه گران کشورهای جهان سوم را عهده‌گرفتارست در نزدیکی محوطه دانشگاه جرج تاون قرار داشته از سال‌های متعدد در برزیل و مکزیک و گفراست تشکیل گردید و دارای یکی از مدرنترین میهن‌آموزی تهر جهان است.

برنامه دروس نظری و عملی آن سیزده هفته بطول میانجا و آنگاه یک دوره تکمیلی تخصصی (الیتور آدیوکی) در ده‌کلا دوره افتاده واقع در منطقه نیکراس و در نزدیکی مرکز نیکراس میگردد. در اینجا روشهای مقابله با جریکهای سموری را به "شاگردان" می‌آموزند و آنها را با کاربرد مواد انفجور و آتش‌فشان تا این لحظه بیش از پنج هزار نفر و یکصد بیست و یک نفر در دانشکده شکجه واشینگتن تحت تعلیم قرار گرفته‌اند که به نوبه خود در بارکتش کشورهای مینوع خویش و به پایدارت خانه‌های آمریکا بیش از صد هزار مامور مخفی و شکجه‌گرد را آریا و آفریقا و آمریکا لاتین تربیت کرده‌اند.

دانشکده شکجه واشینگتن همه ساله در حدود پانصد نفر شاگرد از کشورهای آمریکا لاتین و برزیل، ترکیه، آسیای جنوب شرقی، مراکز اسرائیل، ایران، فرانس، پرتغال و تحت تعلیم قرار میدهد.

غارت دسترنج خلق‌های دیگر

تنبای توت‌های طبیعی و منابع زیرزمینی کشورهای دیگر نیست که دیک طبع امیرالیسم را بخوش می‌آورد؛ امیرالیسم در کارغارت توت‌های این کشورها و نیروی کارآزادی در اختیار دارد که میتواند به دلخواه استثمار کند، اینچنان استثمار طلبانه ای که در کشورهای مغربل امکان پذیر نیست.

نیاز امیرالیست‌ها فقط به ثروت‌های مشرق زمین نیست برای انباشان مائزین انسانی "رام" لازم است که در مستعمرات و کشورهای نیمه‌مستعمره مشرق زمین فراوان است. برای آنها "نیروی کار" سازگار و ارزان خلق‌های مشرق زمین لازم است (استالین).

برای کشورهای نظیر ایران، افغانستان، هند و غیره ویژه که در آنها سطح زندگی بطور وحشت‌آوری پایین است و در ضمن دولت‌های آنها برای جلب سرمایه‌های خارجی هرگز حقوق صفتی و اجتماعی را از طبقه کارگر سلب نمیکند، از مبارزه طبقه کارگر علیه استثمار و محنیانه، بخاطر بهبود شرایط زندگی و کار جلوگیری میکنند. امیرالیسم محیط ایدئالی برای استثمار و غارت دسترنج زحمتکشان میباشد از این جهت صدور سرمایه‌های بکار افتادن در مومسات تولیدی صنعتی و کشاورزی در دنیا امروز پدیده‌ای زایل و شوکان‌اشناست. بویژه که امیرالیست‌ها این پدیده را بعنوان "کله" به کشورهای کم‌رشد برای زنده و تکامل نیروهای مولد و صنعتی کردن آنها مجازانند. "کله" امیرالیست‌ها با بی‌مهرت‌ها رشتن بر صدور سرمایه با بی‌مهرت‌ها بی‌مهرت‌ها و کشاورزی، تجارتی، استخراج، نظیر در زراعتی این کشورها به امیرالیسم سفیدهدنه، شلپ، نفت و هواپیمائی آنها نیز می‌افزاید. "کله" امیرالیست‌ها در این موارد معنی دیگری بجز استثمار نیروی کار ارزانی این کشورهای ندارند.

تاریخچه امیرالیسم از این لحاظ دسترنج و بعضی قرار در این جهت است که در این لحاظ دسترنج و بعضی اتحاد شوروی تحت عنوان "کله" در یک رشته از کشورهای گروند مومسات صنعتی ایجاد میکند و تئیس اصل و فرع سرمایه صادراتی خود را طی سالهای طولانی از محصولات تولید شده در این مومسات صنعتی، می‌سازد. این نوع "کله" ها آنجا که ما اطلاع داریم نخستین به‌اشناخت شوروی و کشورهای دست‌نشانده آنست. ظاهراً منظور تئیس، باز این کار عیب و نقصی نیست: شوروی جفت میدهند و در اوا آن نخستین میگرد. "اماس" رشت این ظاهراً معضله غارت دسترنج زحمتکشان منطقه است. دلیل آن هم اینست که در کشورهای گروند اینجند نیروی کار ارزان، مواد خام و مواد اولیه ارزان و مزایای دیگر از این محصولات را بیشتر از ارزش تولید در کشورهای صنعتی است و محصولات ارزان امیک که احتیاج شوروی به استیلا، اصل و افزاینده است. خود تبدیل میگرد، و در دست‌نشانده و آن است که مانند همه امیرالیسم دیگر در استثمار و غارت دسترنج زحمتکشان کثرت کشورهای فقیر حرکت می‌نماید. امیرالیست‌ها به این کار در قرن اخیر شوروی بعنوان "کله" کارخانه و ذوب آهن به بهای ۲۱۰ میلیون دلار به کشور کرده‌اند. عید هت و بهای آنها را در یافت محصول کارخانه صنعتی می‌سازند. اگر بهای کل آهن را به قیمت بین‌المللی ۳۰۰ دلار بگیریم و فرض کنیم بهای آهن برابر ارزش تولید آنست و علی‌الاصول نیز چنین به دولت شوروی نباید فقط ۲۰۰ هزار تن آهن با بهای کارخانه در یافت کند. اما در واقع چنین نیست. در کشور "کله" زده ارزش تولید محصول کارخانه پایین‌تر از ارزش تولید همین محصول در کشورهای صنعتی و مثلاً هر تن برابر ۲۱۰ دلار است. چیزی شوروی آهن را به قیمت ارزش تولید حساب میکنند. لذا بایست بهای کارخانه بجای ۲۰۰ هزار تن ایک میلیون تن یعنی می‌شد. هزارتن بیشتر می‌برد. این مقدار که شوروی برای آن می‌پردازد چیزی جز غارت دسترنج طبقه کارگر کشور کرده‌اند نیست بجای وجود اینگونه "دانشکده‌ها" و "پروگرام‌های علمی و روش‌های طولانی و مفصلی خود بهترین دلیل بی‌خردی و بی‌مهرت‌ها و خلق و برتری ایران و نیروی انسانی بر همه‌ترین شکل‌های استثمار و محنیانه است. به‌حاکم‌های این "پروگرام" وحشی‌ترین رفتار امیرالیست‌هاست. جهان که به عظیم‌ترین تکمیل‌های تاریخ بشریت نیز مجهز است توسط خلق‌های کوچک بی‌نام و کامیوس دلیل دیگری بر این واقعیت است.

از ماهیت امیرالیستی اینها را نمیتوانی استی. از این طریق است که همساله بقدری از محصول فولاد کارخانه بهیلا می‌هند به اتحاد شوروی می‌رود. هم اکنون اتحاد شوروی موافقت کرده است برای هند یک کارخانه آلومینیوم به ظرفیت ۵۰۰ هزار تن بسازد بشرط آنکه تجهیزات لازم برای آن شوروی خریداری شود و تمام محصولات کارخانه پس از شروع به کار به قیمت تجهیزات بشوروی صادر شود. بطوری که روزنامه اطلاعات (۱۹ اسفند ۵۲) می‌نویسد "شوروی طرح فن و اقتصادی کارخانه آلومینیوم (کاشجوی صنعتی) را که در چهارمین اجلاس کمیسیون همکاریهای اقتصادی ایران و شوروی در کشور ایران توافق رسیده‌اند تسلیم شرکت ملی پتروشیمی ایران کرد.

خبرنگار ما بر گزارش خود می‌نویسد با تصویب اجرای این طرح، احوال سال آینده کار ساختن این کارخانه به طریقت اولیه ۶۰ هزار تن در سال آغاز میشود. بر اساس توافق‌هایی که بین دو کشور حاصل شده قرار است بخشی از تولیدات این کارخانه که مازاد بر مصرف ایران است حداقل تا ۵۰ هزار تن در سال به شوروی صادر شود.

این نوع غارت دسترنج خلق‌های دیگر که ظاهراً اختصاصاً به اتحاد شوروی دارند، روزی نیست‌ها را از اعلا و این از کشورهای کوچک که نیز نیاز به استقلال اقتصادی این کشورها از نظر اقتصادی دارند.

این نوع غارت دسترنج خلق‌های دیگر که ظاهراً اختصاصاً به اتحاد شوروی دارند، روزی نیست‌ها را از اعلا و این از کشورهای کوچک که نیز نیاز به استقلال اقتصادی این کشورها از نظر اقتصادی دارند.

این نوع غارت دسترنج خلق‌های دیگر که ظاهراً اختصاصاً به اتحاد شوروی دارند، روزی نیست‌ها را از اعلا و این از کشورهای کوچک که نیز نیاز به استقلال اقتصادی این کشورها از نظر اقتصادی دارند.

این نوع غارت دسترنج خلق‌های دیگر که ظاهراً اختصاصاً به اتحاد شوروی دارند، روزی نیست‌ها را از اعلا و این از کشورهای کوچک که نیز نیاز به استقلال اقتصادی این کشورها از نظر اقتصادی دارند.

این نوع غارت دسترنج خلق‌های دیگر که ظاهراً اختصاصاً به اتحاد شوروی دارند، روزی نیست‌ها را از اعلا و این از کشورهای کوچک که نیز نیاز به استقلال اقتصادی این کشورها از نظر اقتصادی دارند.

این نوع غارت دسترنج خلق‌های دیگر که ظاهراً اختصاصاً به اتحاد شوروی دارند، روزی نیست‌ها را از اعلا و این از کشورهای کوچک که نیز نیاز به استقلال اقتصادی این کشورها از نظر اقتصادی دارند.

این نوع غارت دسترنج خلق‌های دیگر که ظاهراً اختصاصاً به اتحاد شوروی دارند، روزی نیست‌ها را از اعلا و این از کشورهای کوچک که نیز نیاز به استقلال اقتصادی این کشورها از نظر اقتصادی دارند.

این نوع غارت دسترنج خلق‌های دیگر که ظاهراً اختصاصاً به اتحاد شوروی دارند، روزی نیست‌ها را از اعلا و این از کشورهای کوچک که نیز نیاز به استقلال اقتصادی این کشورها از نظر اقتصادی دارند.

جنبه آزادبخش ظفار ارتش اشغالگرایان و ابدریا خواهد ریخت